

# بررسی رابطه ذهنیت فلسفی و عملکرد پژوهشی اعضای هیأت علمی تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علیرضا آبکار<sup>۱</sup>

## چکیده

موفقیت سازمانها در گرو عملکرد کارکنان آن سازمان است. ذهنیت فلسفی روشی از تفکر است که عمدتاً افراد موفق از آن استفاده می‌کنند. هدف تحقیق حاضر، بررسی رابطه ذهنیت فلسفی و عملکرد پژوهشی اعضای هیأت علمی دارای مدرک دکتری شاغل در دانشگاه آزاد اسلامی بود. به همین خاطر کلیه اعضای هیأت علمی که شامل ۱۲۳ نفر بودند مورد مطالعه قرار گرفتند که ۹۲ نفر (۷۶ درصد) پرسشنامه‌ها را کامل کردند. برای سنجش ذهنیت فلسفی از پرسشنامه استاندارد (PMQ) و عملکرد پژوهشی از پرسشنامه محقق ساخته فعالیت‌های پژوهشی استفاده گردید. داده‌های پرسشنامه‌ها با استفاده از آمار توصیفی شامل میانگین، فراوانی، انحراف معیار و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی اسپیرمن بوسیله نرم افزار کامپیوتری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد با اینکه در کل، ذهنیت فلسفی با عملکرد پژوهشی ارتباط معنا دار ندارد ( $p > 0/05$ ) لیکن بین برخی از ابعاد ذهنیت فلسفی (جامعیت و انعطاف پذیری) با زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی رابطه معنا دار وجود دارد ( $p < 0/05$ ).

## واژه‌های کلیدی:

عضو هیأت علمی، تربیت بدنی، ذهنیت فلسفی، عملکرد پژوهشی

<sup>۱</sup> - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، گروه تربیت بدنی، ابهر، ایران

## مقدمه

سقراط ۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح گفت " زندگی بدون تفکر، ارزش زیستن ندارد " (مگی به نقل از فولادوند، ۱۳۷۴). در تعالیم دینی و الهی نیز به طور مکرر فهم و بصیرت مورد تاکید قرار گرفته است. در دنیای امروزی پدیده‌های مختلفی در توسعه تفکر مؤثر هستند که فلسفه یکی از این پدیده‌هاست. فلسفه معمولاً هم بعنوان یک فعالیت و هم بعنوان موضوعی ذهنی تعریف می‌گردد.

ویتکنشتاین (Whittgenstein Ludwig, 1922) بیان می‌کند که فلسفه فقط تفکر روی موضوعات انتزاعی نیست، بلکه خود نوعی فعالیت است. در این باره هولفیش (Hulfish, 1944) بیان می‌کند که فلسفه ماموریت دارد به انسان در تفکر عمیق‌تر به نتایج اعمال روزانه اش کمک کند تا بتواند با حکمتی بیشتر نتایج را برگزیند. مطالعه زندگی فیلسوفان بزرگ نشان می‌دهد که آنها در روش تفکر خود از روش مشخصی استفاده می‌کنند که آنها را در زندگی روزمره و در برخورد با مشکلات از سایرین جدا می‌کند. چراکه طرز تفکر آنها روی عملکردشان مؤثر واقع می‌شود. فلسفه نه رشته تحصیلی خاصی است و نه اختصاص به گروهی خاص دارد (اسمیت، ۱۳۸۲).

فعالیت‌ها و رفتار باید متکی به نیروی تفکر و عقل باشد. در این حالت این نیروها او را به راههای درست، نیک و اصلاح وادار می‌کند. تفکر منطقی حاصل داشتن ذهنیت فلسفی است. ذهن فلسفی به صفاتی خاص مانند داشتن تفکر انعطاف پذیر، دید وسیع و فهم عمیق اطلاق می‌شود (میر کمالی، ۱۳۷۹). در بحثهای مختلف مدیریت نیز، اغلب صاحب‌نظران چه آنها که به کارآیی افراد در سازمان توجه دارند و چه گروهی که به اثر بخشی افراد می‌اندیشند، معتقدند که جو حاکم بر سازمان باید طوری باشد که کارکنان را به تفکر وادار کند و در واقع این‌اندیشه است که در بهبود بازدهی و عملکرد بسیار با اهمیت است (بهار، ۱۳۸۵). اسمیت (۱۹۵۶) بیان می‌کند که ذهنیت فلسفی روشی از تفکر است که به افراد در فکر کردن به موضوعات مختلف کمک می‌کند. به نظر او فلسفه ماموریت دارد به انسان کمک کند تا به نتایج اعمال روزانه اش عمیق‌تر فکر کرده و عملی حکیمانه داشته باشد. فرد دارای ذهنیت فلسفی خصوصیات را نشان دهد که ممکن است در سه بعد مرتبط به هم گروه بندی شوند، این سه بعد عبارتند از: ۱- تعمق ۲- جامعیت ۳- انعطاف پذیری.

تعمّق عبارت است از چیزی را مورد مطالعه قرار دادن و پشت آن، چیز دیگری را دیدن. فردی که دارای تعمّق است آنچه را دیگران بدیهی تلقی می‌کنند را مورد سوال قرار می‌دهد (شریعتمداری، ۱۳۷۹).

نشانه‌های بعد تعمّق شامل این است که فرد: (۱) اموری که برای دیگران مسلم فرض می‌شود را مورد سؤال قرار می‌دهد. (۲) از راه ژرفاندیشی جنبه اساسی مسائل را تشخیص می‌دهد و در برخورد با هر نظریه، اصول و مبانی آنها را مشخص می‌نماید. (۳) از آنچه می‌بیند چیزهای نا محسوس را استخراج می‌نماید و به معانی تلویحی و ارتباط امور حساس می‌باشد. (۴) در اجرای تعمق، از روش فرضیه‌ای قیاسی به جای روش استقرائی استفاده می‌نماید. بدین گونه که فرد ضمن برخورد با یک یا چند مورد به تدوین فرضیه می‌پردازد و در شرایط خاصی فرضیه را به عنوان امر کلی به موارد گوناگون تعمیم می‌دهد.

جامعیت دیدن امور در یک زمینه وسیع است. فرد دارای تفکر جامع در مقابل فشارهای زودگذر عوامل محیطی ایستادگی می‌کند. نشانه‌های جامعیت تفکر اینست که فرد: (۱) موارد خاص را در یک زمینه وسیع با هم مرتبط می‌سازد. به عبارت دیگر سعی می‌کند تصویر بزرگ را ببیند. (۲) در برخورد با مسائل رابطه آنها را با هدفهای اساسی یا ایده آنها و آرمانهایی که تحقق آنها در آینده امکان دارد در نظر می‌گیرد. (۳) برای نظریات قابل تعمیم تلاش می‌نماید اما چنین نظریاتی را از مطالعه همه جزئیات و جمع آوری خصوصیات مشترک آنها استخراج نمی‌کند. بلکه از طریق بررسی و تحلیل چند مورد، قاعده کلی درست می‌کند که به طور وسیع همه جنبه‌های این امور را تبیین نماید. (۴) در مقابل عقاید و افکار مختلف سعه صدر نشان می‌دهد.

بعد سوم انعطاف پذیری است که نشانه‌های آن عبارتست از: (۱) دچار جمود روانشناختی نمی‌گردد. (۲) عقاید و افکار را بدون اینکه تحت تأثیر منابع آنها قرار بگیرد ارزیابی می‌کند. (۳) مسائل را از جهات متعدد مورد بررسی قرار می‌دهد و میان امور متضاد و متناقض فرق می‌گذارد. (۴) در قضاوتها جنبه احتیاط را رعایت می‌کند و از قطعی و یقینی کردن عقاید پرهیز می‌نماید (اسمیت، ۱۳۸۲).

افراد بدون انعطاف پذیری قدرت تحمل عقاید دیگران را ندارند و موقعی که با عقاید مخالف روبرو می‌شوند، خشم و نفرت در رفتار آنها ظاهر می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۷۹). فانک (۱۹۷۱) در تحقیق خود با موضوع رابطه بین نمرات دگماتیسم (عدم وجود انعطاف پذیری به عنوان بعدی از ذهنیت فلسفی) و درجه بندی عملکرد در میان مربیان نشان داد که بین دگماتیسم (عدم انعطاف پذیری) و عملکرد مربیان رابطه منفی وجود دارد.

مک کینون (۱۹۶۲) بیان می‌کند که افراد خلاق خود را افرادی منطقی، انعطاف پذیر و دارای روح همکاری می‌دانند. در این زمینه سیف‌هاشمی (۱۳۸۲) نیز در تحقیق خود با عنوان رابطه ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت گزارش نمود که بین انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تحقیقات زیادی برای تعیین عوامل مؤثر در عملکرد افراد بعمل آمده است. عملکرد واژه ای است که مفهوم فعالیت برای انجام کار و نتیجه آن فعالیت را یکجا در بر دارد. به نظر لالر، عملکرد افراد نه تنها به انگیزش بلکه به توانایی آن‌ها نیز بستگی دارد (به نقل از عبیدی ۱۳۸۳). این وابستگی را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

$$( \text{انگیزش} \times \text{توانایی} ) = f \text{ عملکرد}$$

هرسی و بلانچارد (۱۹۹۸) اظهار می‌دارند که عملکرد یعنی نحوه آمادگی شخص برای انجام یک تکلیف خاص. تحقیقات انجام شده روی ذهنیت فلسفی و رابطه آن با عملکرد سابقه چندانی ندارد. کیخانزاد (۱۳۸۷) در پژوهشی اشاره می‌کند که بین هر سه بعد ذهنیت فلسفی (جامع نگر، تعمق و انعطاف پذیری) با انجام وظایف مدیریتی مدیران رابطه معنادار مشاهده می‌گردد. میگونی (۱۳۸۵) نیز بین هر سه بعد ذهنیت فلسفی مدیران و رضایت شغلی دبیران (جامعیت، تعمق، انعطاف پذیری) به تفکیک و نیز در مجموع رابطه معنا دار وجود دارد. به نظر بهاری (۱۳۸۵) ذهنیت فلسفی مدیران با عملکرد آنان رابطه وجود ندارد. نتایج تحقیق آبکار (۱۳۸۴) نیز اشاره می‌کند که بین میزان تجربه شغلی و ذهنیت فلسفی رابطه‌ای وجود ندارد. اسمیت (۱۹۵۶) نشان داد که بین ذهنیت فلسفی مدیران با روابط انسانی مطلوب و میزان خلاقیت رابطه مستقیم وجود دارد. هیلر و همکاران نیز (۱۹۸۷) نتیجه گرفتند که بین ذهنیت فلسفی و مهارت عملکرد کلامی در مردان رابطه وجود دارد ولی در زنان رابطه معنادار نیست. *پی‌یرا* (۲۰۰۹) در پژوهش خود بین میانگین نمرات توانایی، وضوح نقش، حمایت سازمانی، انگیزش، اعتبار تصمیم‌گیری و سازگاری محیطی کارکنان با ذهنیت فلسفی مدیران آنها رابطه معنی دار گزارش نمود. بولینگر (۲۰۰۲) بیان نمود که مدیرانی که دارای تفکر جامع، عمیق، انعطاف پذیر و انتقادی باشند نسبت به مدیرانی که فاقد این کیفیات هستند، تأثیر متفاوتی بر کارکنان خود دارند.

کارآیی یک دانشگاه به اثر بخشی و کیفیت کارکنان آن، بویژه به کار اعضاء هیئت علمی آن وابسته است (میری، ۱۳۷۹). ارزش یابی عملکرد به منزله ساختاری رسمی، عبارت است از نظامی برای اندازه گیری و ارزیابی ویژگی‌ها، رفتارها، دستاوردهای شغلی و میزان

رغبت‌های فرد و اثر گذاری بر آن‌ها و سرانجام، تعیین سطح عملکرد کنونی این اقدام، به تشخیص میزان بهره وری فرد و امکان ادامه عملکرد اثر بخش وی در آینده منجر می‌شود؛ به گونه ای که خود او و سازمان و جامعه اش از آن بهره مند می‌شوند (شولروهمکاران، ۱۳۸۱). ماهیت عملکرد پژوهشی به گونه‌ای است که با روش تفکر پژوهشگر بعنوان عامل برون سازمانی می‌تواند در خروجی افراد مؤثر واقع شود.

وزارت علوم و فناوری ایران، ارتقاء اعضاء هیئت علمی را بطور کلی بر اساس عملکرد آموزشی، عملکرد پژوهشی و خدمات قرار داده است که با کسب امتیازات مربوط به این معیارها می‌توانند مرتبه علمی خود را ارتقاء بخشند. بررسی عملکرد پژوهشی توسط کمیته ارزشیابی انجام می‌شود که ملاک ارزشیابی در این کمیته‌ها هم کمیته وهم کیفیت آثار علمی است. این آثار علمی عمدتاً شامل کتابهای تالیفی یا ترجمه شده، مقاله‌های چاپ شده در مجله‌های تخصصی، عضویت در شورای دبیران و داوران مجله‌های علمی است (سیف، ۱۳۷۸).

استیفن رابینز (Robbins) (۱۳۸۴) بیان می‌کند که برای ارزیابی عملکرد بایستی رفتار تکلیف (فعالیتی که به صورت تکلیف از فرد انتظار می‌رود) را در نظر گرفت. از آنجا که دو ماموریت اصلی دانشگاه آموزش و پژوهش می‌باشد (بوبره نقل از عبدی ۱۳۸۳). لذا عملکرد پژوهشی اعضاء هیئت علمی رشته تربیت بدنی به عنوان یکی از رفتارهای تکلیف قلمداد می‌گردد. ماهیت عملکرد پژوهشی به گونه‌ای است که با روش تفکر پژوهشگر بعنوان عامل برون سازمانی می‌تواند در عملکرد افراد مؤثر واقع شود. بر این اساس سوال اصلی تحقیق حاضر این است که آیا بین ذهنیت فلسفی و عملکرد پژوهشی رابطه وجود دارد یا خیر؟ در صورتیکه ذهنیت فلسفی با عملکرد پژوهشی هیأت علمی رابطه داشته باشد می‌توان در بهبود تولید علم بخش تربیت بدنی و ورزش کشور اصلاحاتی انجام داد. در این پژوهش منظور از عملکرد پژوهشی ارائه ۵ زیر مجموعه اصلی آن یعنی تألیف و ترجمه کتاب، ارائه مقاله علمی- پژوهشی، ارائه مقاله علمی-ترویجی، شرکت در همایش‌ها و داوری طرح‌های علمی می‌باشد. لذا هدف پژوهش حاضر شناسایی رابطه ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های آن با عملکرد پژوهشی و زیر مجموعه‌های آن در اعضاء هیأت علمی می‌باشد.

## فرضیه‌های تحقیق

۱. بین ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های آن با عملکرد پژوهشی رابطه وجود دارد.
۲. بین ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی رابطه وجود دارد.
۳. بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و زیرمجموعه‌های عملکرد پژوهشی رابطه وجود دارد.
۴. بین بعد تعمق ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی رابطه وجود دارد.
۵. بین بعد انعطاف‌پذیری ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی رابطه وجود دارد.

## روش پژوهش

جامعه آماری شامل ۱۲۳ عضو هیئت علمی رشته تربیت بدنی دارای مدرک دکتری در واحدهای دانشگاه آزاد که در سال ۱۳۸۹ با دانشگاه خود رابطه استخدامی (رسمی قطعی، رسمی آزمایشی و پیمانی) داشتند، بوده است. نمونه تحقیق برابر با جامعه آماری در دسترس می‌باشد که ۹۲ نفر شرکت کردند.

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه تفکر ذهنیت فلسفی که توسط سلطانی (۱۳۷۴) طراحی شده و توسط زکی (۱۳۷۷) و طالب پور و همکاران (۱۳۸۳) به کار گرفته شده، استفاده گردید. این پرسشنامه سه بعد تفکر با ذهنیت فلسفی را که هر بعد ۲۰ پرسش بوده و به روش لیکرت ۵ گزینه‌ای را شامل می‌شود اندازه‌گیری می‌کند.

برای اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه ذهنیت فلسفی هیأت علمی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده توسط زکی (۱۳۷۷) ۰/۶۸ و طالب پور و همکاران (۱۳۸۳)، ۰/۹۲ بوده و در این تحقیق برای پرسشنامه مذکور ۰/۷۷ بدست آمد.

برای سنجش روایی پرسشنامه از اعتبار سازه که در آن نظرات افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه کسب و عمل می‌شود استفاده گردید.

همچنین برای سنجش عملکرد پژوهشی هیأت علمی پرسشنامه عملکرد پژوهشی استفاده گردید. پرسشنامه مذکور با توجه به برخی از مؤلفه‌هایی که به عنوان عملکرد پژوهشی هیأت علمی از سوی آیین نامه‌های ترفیع و ارتقاء مرتبه هیأت علمی مورد تاکید قرار می‌گیرد، تدوین گردید. روایی این پرسشنامه نیز از طریق اعتبار سازه و با تأیید و اصلاحات بر اساس نظرات متخصصین تأمین گردید.

## یافته‌ها

نمونه تحقیق حاضر شامل ۱۲۵ نفر بود که ۹۲ پرسشنامه قابل استفاده مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از این تعداد ۵۴ مرد و ۳۸ زن می‌باشد و همگی دارای مدرک دکتری در گرایش‌های مختلف رشته تربیت بدنی هستند.

### الف. توصیف یافته‌های مربوط به ذهنیت فلسفی و عملکرد پژوهشی

جدول ۱ شاخص‌های آماری مرتبط با توصیف متغیر «ذهنیت فلسفی» در عضو هیأت علمی

متغیر	آماره	نما	میانگین	میانه	انحراف معیار	تعداد نمونه	حداقل	حداکثر
ذهنیت فلسفی	۳/۵۷	۳/۴۷	۳/۴۸	۳/۴۸	۰/۳۲۷	۹۲	۲/۳۷	۴/۲۰
جامعیت	۳/۷۵	۳/۶۰	۳/۶۰	۳/۶۰	۰/۴۴	۹۲	۲/۴۵	۴/۷۰
تعمق	۳/۴۵	۳/۳۳	۳/۴۰	۳/۴۰	۰/۳۷	۹۲	۲/۰۵	۴/۴۵
انعطاف پذیری	۳/۵۵	۳/۴۶	۳/۵۵	۳/۵۵	۰/۳۸	۹۲	۱/۸۰	۴/۳۵

با توجه به جدول ۱، میانگین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی در عضو هیأت علمی بیشتر از ابعاد تعمق و انعطاف پذیری است.

جدول ۲ شاخص‌های آماری مرتبط با توصیف متغیر «عملکرد پژوهشی» در عضو هیأت علمی

متغیر	آماره	نما	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	حداقل امتیاز	حداکثر امتیاز
عملکرد پژوهشی	۲	۲/۳۵	۲/۳۵	۲/۵	۰/۸۰	۲	۵
مقاله علمی پژوهشی	۲	۱/۷۶	۱/۷۶	۱/۵۰	۰/۸۰	۱	۵
مقاله علمی ترویجی	۲	۲/۱۲	۲/۱۲	۲	۱/۱	۱	۵
مقاله در کنفرانسها	۲	۱/۵	۱/۵	۲	۱/۰۰	۱	۳/۴
تألیف و ترجمه کتاب	۲/۳۳	۲/۴۰	۲/۳۳	۲/۳۳	۰/۷۴	۲	۵
راهنمایی و داوری طرحها	۲/۲۳	۲/۳۵	۲/۳۳	۲/۳۳	۰/۷۰	۲	۵

با توجه به جدول ۲، میانگین تألیف و ترجمه از بقیه شاخص‌های پژوهشی بیشتر است.

## ب- تحلیل یافته‌ها

ب-۱. برای آزمون فرضیه اول پژوهش با عنوان " بین ذهنیت فلسفی با عملکرد پژوهشی رابطه معنی دار وجود ندارد"، از ضریب همبستگی اسپیرمن (به دلیل عدم طبیعی بودن توزیع داده‌های زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی) استفاده شد. نتایج حاصل در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳ نتایج آزمون همبستگی بین ذهنیت فلسفی و خرده مقیاس‌های آن با عملکرد پژوهشی

P	اسپیرمن	N	آماره	
			متغیر	
۰/۱۱	۰/۱۸	۹۲	عملکرد پژوهشی	ذهنیت فلسفی
۰/۰۲	۰/۳۳	۹۲		جامعیت
۰/۱۹	۰/۳۳	۹۲		تعمق
۰/۰۰۱	۰/۵۸	۹۲		انعطاف پذیری

در جدول ۳ بین ذهنیت فلسفی و عملکرد پژوهشی هیأت علمی ارتباط معنی دار نیست ( $\alpha \leq 0/05$ ). بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین ذهنیت فلسفی و عملکرد پژوهشی ارتباط وجود ندارد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. با اینحال در زیر مجموعه‌های ذهنیت فلسفی، بین جامعیت با عملکرد پژوهشی ( $\alpha \leq 0/05$ ) و انعطاف پذیری با عملکرد پژوهشی رابطه معنی دار وجود دارد ( $\alpha \leq 0/01$ ). بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین زیر مجموعه‌های ذهنیت فلسفی و عملکرد پژوهشی ارتباط وجود دارد، در مورد خرده مقیاس‌های جامعیت و انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی مورد تأیید قرار می‌گیرد ولی در مورد خرده مقیاس تعمق ذهنیت فلسفی مبنی بر عدم ارتباط بین تعمق با عملکرد پژوهشی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد ( $\alpha \geq 0/05$ ).

ب-۲. با توجه به فرضیه پژوهشی " بین ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی رابطه معنی دار وجود ندارد" نمرات آزمودنی‌ها با آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (به دلیل عدم طبیعی بودن توزیع) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول ۴ ارائه شده است:



جدول ۴ نتایج آزمون همبستگی بین ذهنیت فلسفی و عملکرد پژوهشی و زیر مجموعه‌های آن

سطح معنی‌داری	آزمون	میزان همبستگی	N	آماره	
				متغیر	
۰/۰۳*	اسپیرمن	۰/۴۳	۹۲	مقاله علمی پژوهشی	ذهنیت فلسفی
۰/۲۳	اسپیرمن	۰/۱۳	۹۲	مقاله علمی ترویجی	
۰/۹۰	اسپیرمن	-۰/۰۳	۹۲	مقاله در کنفرانسها	
*۰/۰۰۱	اسپیرمن	۰/۷۱	۹۲	تألیف و ترجمه	
*۰/۰۰۱	اسپیرمن	۰/۶۰	۹۲	راهنمایی و داوری طرحها	

در جدول ۴ بین ذهنیت فلسفی و عملکرد پژوهشی با شاخص‌های مقاله علمی پژوهشی، تألیف و ترجمه کتاب، و راهنمایی و داوری طرح‌ها ارتباط معنی‌دار است و در موارد مقاله علمی ترویجی و مقاله در کنفرانس‌ها ارتباط معنی‌دار نیست. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی ارتباط وجود دارد، فقط در خرده مقیاس‌های مقاله علمی ترویجی و مقاله در کنفرانس‌ها مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

ب-۳. جهت تبیین فرضیه پژوهشی "بین جامعیت ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی رابطه معنی‌دار وجود ندارد" نمرات آزمودنی‌ها با آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵ نتایج آزمون همبستگی بین خرده مقیاس جامعیت ذهنیت فلسفی و زیرمجموعه‌های عملکرد پژوهشی

سطح معنی‌داری	آزمون	میزان همبستگی	N	آماره	
				متغیر	
*۰/۰۱۹	اسپیرمن	۰/۳۳	۹۲	عملکرد پژوهشی	جامعیت
*۰/۰۱	اسپیرمن	۰/۶۰	۹۲	مقاله علمی پژوهشی	
۰/۲۳	اسپیرمن	۰/۱۳۰	۹۲	مقاله علمی ترویجی	
۰/۹۹	اسپیرمن	۰/۰۰۱	۹۲	مقاله در کنفرانسها	
*۰/۰۰۱	اسپیرمن	۰/۷۷	۹۲	تألیف و ترجمه کتاب	
*۰/۰۱	اسپیرمن	۰/۶۱	۹۲	راهنمایی و داوری طرحها	

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۵، نتیجه گرفته شد که در آزمون مربوط به جامعیت ذهنیت فلسفی و شاخص‌های مقاله علمی پژوهشی، تألیف و ترجمه کتاب و راهنمایی و داوری طرح‌ها، میزان همبستگی در سطح  $\alpha < 0/05$  معنی‌دار است. بنابراین

می‌توان گفت که بین جامعیت میزان ذهنیت فلسفی و میزان مقاله علمی پژوهشی، تألیف و ترجمه کتاب و راهنمایی و داوری طرحها در عملکرد پژوهشی ارتباط معنی داری وجود دارد. در شاخص‌های مقاله علمی ترویجی و مقاله در کنفرانسها میزان همبستگی در سطح  $\alpha < 0/05$  معنی دار نیست. بنابراین می‌توان گفت که بین جامعیت ذهنیت فلسفی و شاخص‌های مقاله علمی ترویجی و مقاله در کنفرانسها ارتباط معنی داری وجود ندارد. لذا فرضیه تحقیق مبنی بر این که بین ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی ارتباط وجود دارد، در خرده مقیاس‌های مقاله علمی ترویجی و مقاله در کنفرانسها مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

ب-۴. با توجه به فرضیه پژوهشی "بین تعمق ذهنیت فلسفی و برخی از زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی رابطه معنی دار وجود دارد" نمرات آزمودنی‌ها با آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (به دلیل عدم طبیعی بودن توزیع عملکرد پژوهشی) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول شماره ۶ ارائه شده است:

جدول ۶ نتایج آزمون همبستگی بین خرده مقیاس تعمق ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی

متغیر	آماره	N	میزان همبستگی	آزمون	سطح معنی داری
	مقاله علمی ترویجی	۹۲	۰/۱۲	اسپیرمن	۰/۲۳
	مقاله در کنفرانسها	۹۲	-۰/۰۴	اسپیرمن	۰/۶۷
	تألیف و ترجمه کتاب	۹۲	۰/۶۲	اسپیرمن	۰/۰۰۱
	راهنمایی و داوری طرحها	۹۲	۰/۳۷	اسپیرمن	۰/۱۶

در جدول ۶ بین تعمق ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی با شاخص‌های مقاله علمی پژوهشی و تألیف و ترجمه کتاب ارتباط معنی دار است و در موارد مقاله علمی ترویجی، مقاله در کنفرانسها و داوری طرحها ارتباط معنی دار نیست. لذا فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی ارتباط وجود دارد، در خرده مقیاس‌های مقاله علمی ترویجی، مقاله در کنفرانسها و داوری طرحها مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

ب-۵. با توجه به فرضیه پژوهشی بین انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی رابطه معنی دار وجود دارد نمرات آزمودنی‌ها با آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (به دلیل عدم طبیعی بودن توزیع عملکرد پژوهشی) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول ۷ ارائه شده است:

## جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی بین خرده مقیاس انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های

## عملکرد پژوهشی

متغیر	آماره	N	میزان همبستگی	آزمون	سطح معنی‌داری
انعطاف پذیری	مقاله علمی پژوهشی	۹۲	۰/۲۸	اسپرمن	۰/۰۰۷
	مقاله علمی ترویجی	۹۲	۰/۱۲	اسپرمن	۰/۲۸
	مقاله در کنفرانسها	۹۲	-۰/۰۴	اسپیرمن	۰/۹۶
	تألیف و ترجمه کتاب	۹۲	۰/۴۱	اسپیرمن	۰/۰۲۱
	راهنمایی و داوری طرحها	۹۲	۰/۳۳	اسپیرمن	۰/۰۳

در جدول ۷ بین انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی با شاخص‌های مقاله علمی پژوهشی، تألیف و ترجمه کتاب و داوری طرحها ارتباط معنی‌دار است و در موارد مقاله علمی ترویجی و مقاله در کنفرانسها ارتباط معنی‌دار نیست. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین ذهنیت فلسفی و زیر مجموعه‌های عملکرد پژوهشی ارتباط وجود دارد، در خرده مقیاس‌های مقاله علمی ترویجی و مقاله در کنفرانسها مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق، آزمون رابطه نظریه ذهنیت فلسفی با عملکرد پژوهشی اعضای هیأت علمی رشته تربیت بدنی است. بطور کلی تحقیق در باره رابطه ذهنیت فلسفی با عملکرد پیشینه زیادی ندارد لذا نتایج بانددک تحقیقات انجام شده مقایسه و بررسی می‌شود. برخی از محققین در سازمان‌های غیر آموزشی مانند بهاری (۱۳۸۵) و کمیلی اصل (۱۳۸۱) بین ذهنیت فلسفی و عملکرد کارکنان رابطه مشاهده نکرده‌اند، این در حالی است که در سازمان‌های آموزشی بین دو متغیر مورد نظر رابطه گزارش شده است (سیف‌هاشمی، ۱۳۸۳)، میگونی (۱۳۸۵) و کیخانزاد (۱۳۸۷). یافته‌های این تحقیق در موسسات آموزشی دانشگاه‌های آزاد کل کشور نشان می‌دهد که در کل، ذهنیت فلسفی با عملکرد پژوهشی رابطه ندارد. این عدم ارتباط با توجه به اینکه ذهنیت فلسفی دارای ابعاد متفاوت است منطقی به نظر می‌رسد. با توجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد عملکرد پژوهشی بیشتر تحت تاثیر بعد انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی است. از آنجایی که افراد دارای انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی دارای ویژگی‌هایی هستند که دچار جمود

روانشناختی نمی‌گردند، عقاید و افکار را بدون اینکه تحت تأثیر منابع آنها قرار بگیرد ارزیابی می‌کنند، مسائل را از جهات متعدد مورد بررسی قرار می‌دهد و میان امور متضاد و متناقض فرق می‌گذارند و نهایتاً در قضاوت‌ها جنبه احتیاط را رعایت می‌کنند و از قطعی و یقینی کردن عقاید پرهیز می‌نمایند، به نظر می‌رسد این عوامل را بتوان مولفه‌های اصلی روحیه پژوهشگری نام نهاد. بنابراین بدیهی است که پژوهشگران دارای چنین ویژگی‌هایی باشند. بررسی بیشتر یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین میزان همبستگی به ارتباط بین ذهنیت فلسفی با تألیف و ترجمه کتاب مربوط می‌شود. به عبارت دیگر عضو هیأت علمی دارای تألیف و ترجمه کتاب دارای ذهنیت فلسفی بالاتری هستند. نکته قابل توجه رابطه بالای جامعیت ذهنیت فلسفی نسبت به سایر ابعاد با تألیف و ترجمه کتاب است. به نظر می‌رسد هیأت علمی ای که دارای عملکرد تألیف و ترجمه کتاب هستند دارای وسعت دید و جامعیت بالاتری باشند و میزان تعمق و انعطاف پذیری در درجات بعدی قرار دارند. از سوی دیگر در کشور ما، تألیف و ترجمه کتاب علاوه بر این که دارای مشکلات زیادتری نسبت به سایر عملکردهای پژوهشی است، دارای منافع مادی کمتری نیز نسبت به سایر موارد پژوهشی می‌باشد. لذا علاقه به تألیف و ترجمه کتاب می‌تواند یک علاقه درونی باشد که مستلزم صرف وقت زیادی است و این حالت می‌تواند باعث بالا رفتن کیفیت عملکرد پژوهشی مؤلفین و مترجمین گردد.

ذهنیت فلسفی با توجه به عناصر تشکیل دهنده اش می‌تواند کیفیت عملکردهای عضو هیأت علمی را بیش از کمیت آنها تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر کارآیی یک دانشگاه به اثر بخشی و کیفیت کارکنان آن، بویژه کار اعضای هیأت علمی آن وابسته است (میری، ۱۳۷۹) لذا دست‌اندرکاران موسسات آموزش عالی بایستی در نظر داشته باشند که عضو هیأت علمی دارای ذهنیت فلسفی بالا که مناسب برای کار در موسسه هستند (اسمیت به نقل از بهرنگی، ۱۳۸۲) لزوماً دارای میزان عملکرد پژوهشی بالا که به کمیّت فعالیت‌های پژوهشی تکیه دارد، نیست. در عوض این تعداد از اعضای هیأت علمی با توجه به یافته‌های تحقیق بیشتر به مؤلفه ایی از پژوهش می‌پردازند که سنگینی کیفیت مانند تألیف و ترجمه کتاب، و مقاله‌های علمی و پژوهشی در آنها بیشتر از کمیّت آنها است. پس بهتر است در ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی دارای ذهنیت فلسفی بالا به کیفیت کار آنان بیش از کمیّت بهاء داده شود.

## الف - فارسی

۱. آبکار، علیرضا (۱۳۸۴). بررسی ذهنیت فلسفی و رابطه آن با برخی از مشخصات فردی مربیان ورزش، پژوهشنامه علوم ورزشی، شماره اول، دانشگاه مازندران
۲. اسحاقیان، مهدی. (۱۳۷۲). بررسی میزان حاکمیت ابعاد روح فلسفی مدیران آموزش متوسطه شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۳. اسمیت، فیلیپ. جی. (۱۳۸۲) ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی (ترجمه محمدرضا بهرنگی). تهران: کمال تربیت
۴. الوانی، مهدی، (۱۳۷۷). مدیریت عمومی، تهران، انتشارات نی
۵. بهاری، سیف اله (۱۳۸۵). رابطه ذهنیت فلسفی مدیران با عملکرد آنان، نشریه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن
۶. زکی، محمد علی (۱۳۸۰). بررسی ابعاد اجتماعی ذهنیت فلسفی مدیران، فصلنامه مصباح، سال هشتم، شماره ۲۹
۷. سلطانی، ایرج (۱۳۷۵). اندازه‌گیری میزان ذهنیت فلسفی، فصلنامه تدبیر، شماره ۶۲
۸. شعبانی، حسن. (۱۳۸۲). روش تدریس پیشرفته. تهران، سمت، ص ۴۴
۹. سیف‌هاشمی، فخر السادات. (۱۳۸۳). رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران مدارس، فصلنامه تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش
۱۰. سیف، علی اکبر. (۱۳۷۸). روش تهیه پژوهش نامه، ارزشیابی دانشجویان از استادان، تهران: نشر دوران
۱۱. شریعتمداری، علی. (۱۳۷۹). فلسفه - مسائل فلسفی مکتبهای فلسفی - مبانی علوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۲. طالب پور، مهدی. (۱۳۸۴). تحلیل و تبیین ذهنیت فلسفی مدیران، مربیان و ورزشکاران تیمهای منتخب دانشگاهها، تهران: پژوهشکده تربیت بدنی
۱۳. عیدی، معصومه. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد آموزشی هیات علمی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بهشتی
۱۴. میرکمالی، سید محمد. (۱۳۷۹). رهبری و مدیریت آموزشی. چاپ ششم، تهران: انتشارات یسپرون.
۱۵. میری، ویدا. (۱۳۷۶). "نقش برگزاری کارگاه‌های آموزشی در ارتقای کیفیت آموزش در دانشگاهها". مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۶. میگونی، فهیمه سادات. (۱۳۸۵). بررسی ذهنیت فلسفی مدیران و رضایت شغلی دبیران دبیرستانهای دخترانه منطقه ۱۰ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان
۱۷. هولفیش، گوردون. (۱۹۴۴). تفکر منطقی، (ترجمه علی شریعتمداری، ۱۳۸۵). تهران: سمت
۱۸. کیمی اصل، عسگر. (۱۳۸۱). بررسی تاثیر ذهنیت فلسفی مدیران شرکتهای تابعه و وابسته وزارت نیرو بر عملکرد کارکنان آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن
۱۹. کیخانزاد، مهین. (۱۳۸۷). رابطه ذهنیت فلسفی و ابعاد آن با انجام وظایف مدیریتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم زاهدان

### ب: انگلیسی

1. Bowlinger, D. (2002). Philosophic mindedness level in educational managers to their employees operations in Chicago schools. [PhD Dissertation Abstract]. Irwin University. Chicago, USA.
2. Hersey, P., & Blanchard, K. H. (1988). Management of organizational behavior: Utilizing human resources (5th ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
3. Hiller, Jack H. A, Others. (1998). Relationship of philosophic mindedness and intellectual self-confidence with verbal ability and deductive reasoning skills.
4. 23) Hulfish, H. Gordon, (1944) Philosophy and Education in Interaction Columbus, Ohio: The Oio State University
5. Pierra, J. (2009). Investigations of enhanced relationship between philosophic mind of managers and their employees' work performance in governmental organizations in Western Reserve University. PhD Dissertation University of Illinois at Urbana Champaign.
6. Smith, G. P. (1956). Philosophic mindedness in educational administration. Columbus: Ohio State University Press
7. Robbins, Stephen P. (2000). Essentials of Organizational Behavior. Prentice Hall International Inc.
8. Mackinnon, D. W. (1962). The nature and nature of creative talent. Journal American Psychologist. No.13, pp: 98-120.
9. Wittgenstein, Ludwig, (1922). Tractatus Logico-Philosophicus, New York: Harcourt, Brace and Company, Inc.